

دمیدن در صور!

رگ رگست این آب شیرین، آب شور
در خلایق می‌رود تا نفخ صور(مولوی)

بر باور دین‌داران، رستاخیز آخرت با صدای شیپوری آغاز می‌گردد و فرشته‌ای به نام «اسرافیل» با دمیدن در «صور»، بانگ بیداری از خواب گران مرگ می‌زند. «صوراسرافیل» در فرهنگ دینی ما نماد بیداری و آگاهی است و دردوران مشروطیت نیز نام یکی از پرطرفدارترین روزنامه‌های رادیکال در مبارزات سیاسی بود (۱). ادیبان و عارفان ما نیز، به خصوص مولوی، در مورد صور اسرافیل سخن‌ها گفته و او را نشانه و رمز حیات شمرده‌اند، از جمله: غزلیات دیوان شمس:

دگر باره سرِ مستان ز مستی در سجود آمد	مگر آن مطرب جانها ز پرده در سرود آمد؟
سراندازان و جانبازان دگر باره بشوریدند	وجود اندر فنا رفت و فنا اندر وجود آمد
دگر باره جهان پُرشد ز بانگ صوراسرافیل	آمین غیب پیدا شد که جان را زاد و بود آمد
بین اجزای خاکی را که جان تازه پذیرفتند	همه خاکیش پاکی شد زیان‌ها جمله سود آمد

مثنوی مولوی، دفتر پنجم:

گفت اسرافیل را یــــزدان ما	که برو زان خاک را پُر کن بیــــا
آمد اسرافیل هم، سوی زمیــــن	باز آغازید خاکــــستــــان حَین
کای فرشته صور و ای بحر حیات	که ز دمهای تو جــــان یابد مَوات
در دمی در صور گــــوئی الصلا	بر جهید ای کــــشــــتــــگان کربلا
ای هلاکت دیدگان از تیغ مــــرگ	برزنید از خاک سر چون شاخ و برگ
رحمت تو و آن دم گیــــرای تو	پُر شود این عالم از احــــییای تو
تو فرشته رحمتی رحمت نــــما	حامل عرشی و قبلــــه ی دادها

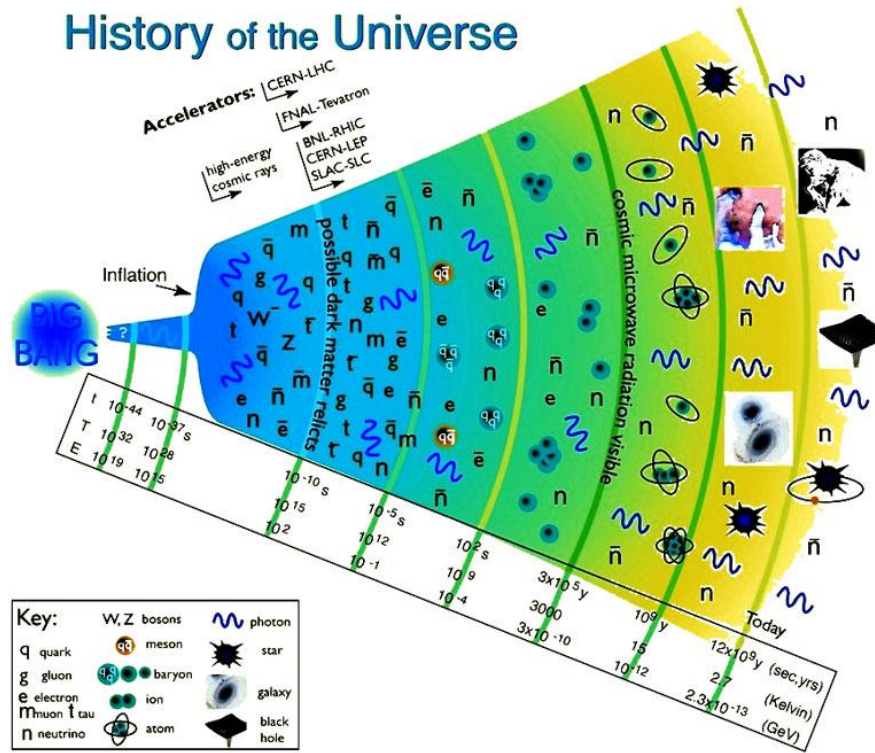
علاوه بر مسلمانان، یهودیان و مسیحیان نیز بر همین باورند و در نقاشی‌ها و مجسمه‌های نصب شده بر سر در برخی اماکن مذهبی آنان، تصویر دمیدن در شیپور دیده می‌شود (۲). به راستی رستاخیز و زنده شدن مردگان چه نسبتی با دمیدن در صور دارد و این تشبیه و تمثیل بیانگر چه حقیقتی است؟

سخن از دمیدن در صُور، همواره در قرآن با مشخص شدن سرنوشت انسان‌ها بر حسب نیک و بد اعمال‌شان مطرح شده است، بنابراین به نظر می‌رسد مسئله فراتر از تجدید حیات جسمی انسان باشد و صورت‌های ذهنی و شخصیتی هرکس نیز ظهور و بروز پیدا کند و آشکار و عیان گردد. در قرآن ۱۰ بار (عدد تمام) از دمیدن در "صور"، در لحظه مرگ همه موجودات زمینی و لحظه حیات مجدد آن (رستاخیز) سخن گفته است (۳)! بنابراین در فرهنگ قرآنی موضوعی جدی و تأمل برانگیز است. مرحوم طالقانی (ره) در شرح کلمه صور (۴) می‌گوید:

"صور تمثیلی است از دمیدن حیات و حشر نهائی، که به شیپور حرکت، احضار و جمع سربازان تشبیه شده و قرآن آن حقیقت غیر محسوس و معنوی را برای فهم عموم، در مشهودات حسی (شیپور) تصویر کرده و "نفخ" را "دمیدن ناگهانی (روح) حیات در موجودات مستعد" به صورت ناگهانی و غیرمنتظره شمرده کرده است.

سؤال اساسی اینجاست که چه ارتباطی میان شیپور و دمیدن در آن! با تجدید حیات و زندگی وجود دارد و این تمثیل مجازی چه شباهتی با عالم واقع دارد و چرا از این استعاره استفاده شده است؟ و از آن سؤال برانگیزتر و شگفت‌تر، تصاویر عیناً شیپوری شکلی است که دانشمندان نجومی از پیدایش هستی در لحظه انفجار بزرگ (Big Bang) تا پیدایش کهکشان‌ها ارائه داده‌اند! در این مدل استاندارد نشان داده می‌شود که جهان از لحظه "انفجار بزرگ"، دقیقاً به شکل یک شیپور، که نقطه آغاز آن بیگ بنگ بوده انبساط خود را آغاز کرده و دهانه آن همچون قیف به تدریج بازتر می‌شود. به این ترتیب، آنچه از هزاره‌های پیشین به صورت نمادین در شریعت‌های ابراهیمی به خصوص قرآن مطرح بوده امروز توجیه علمی یافته و نگاه دینی و علمی یا متافیزیک و فیزیک در این مسئله به گونه شگفتی با هم تلاقی کرده‌اند (۵)!!

History of the Universe



برای روشن تر شدن موضوع و گشودن رمز این نکته که چرا قرآن از این تشبیه استفاده کرده است، لازم است مقدماً معنای دقیق دو واژه «نفخه» و «صور» را در این کتاب مورد کنکاش قرار دهیم.

بررسی لغوی نفخه و صور

الف) **نفخه:** از ۲۰ باری که مشتقات کلمه نَفَخَ در قرآن آمده، ۱۱ مورد آن مرتبط با همین دمیده شدن "روح" است، مثل:

۱- **دمیدن روح اختیار در نوع آدم** پس از به تکامل رسیدن مادی حیات در روی زمین، که سه بار در فرمان سجده ملائک به آدم مطرح گشته است:

حجر ۲۹، ص ۷۲، سجده ۹- فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيْهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوْا لَهٗ سَاجِدِيْنَ

آنگاه که او را سامان دادم (به کمال مادی رساندم) و از روح خود (اختیار و اراده مستقل) در او دمیدم، در برابرش فروتنی نمائید (در خدمت رشد و کمال معنوی او باشید).

۲- **دمیدن در مریم (س) برای پیدایش عیسی روح الله (ع):**

انبیاء ۹۱ (و تحریم ۱۲)- وَآلَتِيْ اٰخَصَّنْتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهَا مِنْ رُوْحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَاِبْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِيْنَ

و (به یاد آر پاکدامنی) زنی که عفت خویش نگه داشت و از روح خود در آن دیدیم و او و فرزندش را آیتی برای جهانیان قرار دادیم.

۳- جان بخشیدن عیسی به خاک به اذن خدا:

آل عمران ۴۹ (و مائده ۱۱۰) -...أَنْتِ أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...
...من از گِل برای شما مجسمه پرنده‌ای می‌سازم و در آن می‌دمم و به اذن خدا پرنده‌ای (جاندار) خواهد شد.

در موارد سه گانه فوق، نفخه به معنای دمیدن روح حیاتی یا روح معنوی آمده است، اما در یک مورد نیز قرآن از دمیدن هوا در کوره آهنگری برای شعله‌ور ساختن آتش و نرم کردن آهن استفاده کرده است:

کَهِفَ ۹۶- أَتُونِي زُبْرَ الْحَدِيدِ ۰ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ ۰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۰ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا

(ذوالقرنین گفت:) قطعات (سنگ) آهن برای من (از کوه) بیاورید؛ چون میان دو کوه را انباشته و همسطح ساخت، گفت (آتش بیفروزید و در آن) بدمید تا اینکه آن را گداخت و...

آهنگران در دمیدن به آتش، به آن هوا، یعنی مایه حیاتی می‌دهند تا خاموش نگردد، برای آتش، اکسیژن هوا مایه حیات است و برای انسان دم رحمانی! و قرآن از این تمثیل، تشبیهی برای فهم ما از مسئله رستاخیز به تصویر کشیده است.

ب) صُور

اهل لغت "صُور" را شیپور یا شاخ گاوی که بنی اسرائیل بنا به سنتی باستانی در آن می‌دمیدند معنا کرده‌اند و خداوند سبحان، دمیدن مجدد روح در کالبد مردگان را به آن تشبیه کرده است. اما از ۱۸ باری که مشتقات کلمه صُور در قرآن آمده، حتی یک مورد هم معنای شیپور یا شاخ گاو ندارد! ...پس چرا اغلب مفسرین از این تشبیه استفاده کرده‌اند؟

به نظر می‌رسد این تشبیه ریشه لغوی داشته باشد؛ در لغتنامه "المنجد" صُور را صدا کردن و بانگ زدن معنا کرده است و می‌گوید: "صَوْرَةٌ بِصَوْتِهِ" یعنی با صدای خود گوش او را کر کرد! همین‌طور شاخ و بوقی را که در آن می‌دمند صُور نامیده است. از مورد خاصی که می‌توان مفهوم دنیایی این کلمه را که نوعی فراخوان

شمرده می شود دریافت کرد، آیه ۲۶۰ سوره بقره می باشد؛ ابراهیم (ع) که نحوه رستاخیز برای او مبهم بود، از پروردگار تفسیر این راز را طلب می کند و پروردگار می گوید:

"چهار پرنده برگیر و آنها را با خودت آموخته گردان، سپس بر سر هر کدام را بر سر کوهی بگذار، سپس آنها را فراخوان، آنگاه با سرعت به سوی تو خواهند شتافت..."

مرحوم طالقانی (ره) که از کلمه صور، بیش از صوت، معنای آموخته کردن و به خود متمایل ساختن دریافت کرده است، در تفسیر این آیه می گوید:

"خداوند به وی امر کرد چهار پرنده بگیرد، پس از گرفتن و نگهداشتن و آنها را به خود آموختن، تا در هر حال و در هر جا با اندک تحریک و صفیری - چون صور اسرافیل - به سوی او آیند - فصرهن الیک - و چون آنها چنان آموخته شدند که هر یک ضمیمه به کل و جزئی از آن گشتند، هر یک را بر فراز کوهی نهد... سپس آنان را با اشاره یا دمشی به سوی خود بخواند... آنگاه می نگرد که آن طیور از هرسوی و از هر کوی بال زنان به سوی وی می شتابند.

... ابراهیم دانست که حیات به معنای عینی در ذات و عناصر جهان ساری و سازنده ... است و چون از اصل خود دور مانده... برای رسیدن به آن می کوشد و می سازد و بال و پر و اعضاء می رویاند. هر که او دور ماند از اصل خویش، بازجوید روزگار وصل خویش...

ابراهیم همچون دانشجوی هشیار و رمزیاب که با چند کلمه و اشاره، راز و کلید فکری علم و صنعتی را دریافت می دارد، با همین چهار امر و اشارات ربوبی، راز حیات را در همه جهات و ابعادش دریافت و دانست که حیات حقیقی همی سازنده و چهره گشا و تحول دهنده و پیش رونده به سوی حیات است و در آن مرگ و توقف نیست..."

(پرتوی از قرآن صج ۲ ص ۲۲۴ تا ۲۲۶)

خدای "مُصَوِّر" و مفهوم "صورت" در ادبیات و عرفان

اما واژه "صُور" با واژه های صورت و تصویر هم ریشه اند. صورت، نقشی است بر آنچه می بینیم، مثل صورت انسان، اسب، پرنده، خانه، کوه، و... اینها را با چشم می بینیم، اما با فکر و خیال هم آدمی می تواند صورت هائی

ذهنی را تصور کند، پس صورت‌ها، هم ظاهری و دیدنی و هم باطنی و نادیدنی هستند. مولوی تمثیل جالبی از صورت‌های خیالی دارد (دفتر اول ابیات ۱۱۴۳ ببعده):

صورت از معنی چو شیر از بیشه دان یا چو آواز و سخن زاندیشه دان
چون ز دانش موج اندیشه بتاخت از سخن و آواز او صورت بتاخت
از سخن صورت بزاد و باز مُرد موج خود را باز اندر بحر بُرد
صورت از بی صورتی آمد برون باز شد که: انا الیه راجعون

یکی از اسامی نیکوی آفریدگار که در قرآن آمده "مصور" است، مصور کسی است که بی‌نهایت صورت ظاهری و باطنی در جهان آفریده است:

حشر ۲۴- هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ۗ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۗ ۚ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...
اوست خدای آفریننده و پدید آورنده انواع و صورتگرهستی که بهترین نام‌ها از اوست و...

در آیه فوق سه صفت برای آفریدگار در آفرینش قائل شده است: خالق، باری، مصور. این سه صفت تفاوت‌های ظریفی با هم دارند، و گرنه دلیلی نداشت جداگانه عنوان شود؛ در کلمه "خلق"، مفهوم تقدیر به معنای اندازه و نظم و ترتیب نیکو وجود دارد و رعایت اندازه و ابعاد، لازمه سازنده بودن است. "باری" دومین صفت است، در کلمه برء، نوعی جدائی و مبرا بودن از عیب و نقص موجود است، مثل برائت از محکومیت یا بیماری. می‌گویند باری بودن خدا دلالت بر کامل و بی‌عیب و نقص بودن آفریده‌های او دارد و بالاخره "مصور" بودنش، دلالت بر دمیدن روح حیاتی در آنها می‌کند.

در سوره انفطار "صورتگری" خداوند مصور را پس از ۴ مرحله: خلق، تسویه، تعدیل و ترکیب نشان داده است:

انفطار ۷ و ۸- الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ

آنکه تو را آفرید، پس به کمال وجودی رساند، پس متعادل ساخت، و به هر صورتی که می‌خواست ترکیب کرد.

مولوی در وصف آفریدگار "مصور"، تصویرهای ادبی زیبایی سروده است، از جمله: ابیات ۲۵۰۴ به بعد از دفتر اول مثنوی:

آن صفای آینه، وصف دل است کاو نقوشِ بی عدد را قابل است
 صورتِ بی صورتِ بی حدّ غیب ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
 گرچه آن صورت ننگجد در فلک نه به عرش و فرش و دریا و سمک
 زانکه محدود است و معدود است آن آینه دل را نباشد حد، بدان

صورتگری مرحله کمال جسمی

صورتگری انسان به نظر می‌رسد پس از خلقت اولیه و طی مراحل تکاملی موجودات زنده در روی زمین و رسیدن به عالی‌ترین مرحله کمال جسمی، قبل از دمیده شدن روح خدائی، یعنی موهبت اختیار بوده باشد:

اعراف ۱۱- وَ لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

قرآن بارها از صورتگری انسان در رحم مادر سخن گفته است. تصور عمومی بر این است که منظور قرآن همین صورت ظاهر یعنی چهره آدمی است! اما حقیقت چیز دیگری است و آفریدگار حکیم مراحل رشد جنین در رحم را که شامل تغییرات متنوع: نطفه، علقه، مضغه، عظام تا پوشیده شدن با گوشت می‌باشد، صورتگری نامیده است:

آل عمران ۶- هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

نه تنها مراحل متنوع، آفرینش جنین در رحم مادر، بلکه مراحل متنوع پیدایش حیات در کره زمین و سیر تکاملی آن تا پیدایش نوع انسان را نیز صورتگری نامیده است:

تغابن ۳- خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ ۗ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد، و چه نیکو صورتگری تان کرد و نهایت کمال به سوی اوست.

غافر ۶۴- اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ ۗ ...

خداست که زمین را قرارگاه و آسمان را سرپناه شما ساخت و شما را صورتگری کرد چه نیکو صورتگری...

و پس از خلقت اولیه و طی مراحل تکاملی حیات در کره زمین در طول میلیاردها سال و رسیدن به کمال جسمی (صورتگری عمومی) است که آدمی به عنوان پیچیده ترین و کامل ترین جلوه حیات مادی آمادگی پیدا می کند از روح خدائی در او دمیده شود:

اعراف ۱۱- وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

هر آینه شما را آفریدیم، سپس صورت های مختلف بخشیدیم، سپس به فرشتگان گفتیم که به آدم سجده کنند.

عبور از صورت به سیرت!

جنبه های فیزیکی دمیدن در صور و تحولاتی که در زمین و آسمان پدید می آید، کمتر مورد توجه مردم بوده است؛ عالمان دینی بیشتر از این انقلاب فراگیر جهانی به حساب و کتاب بندگان در آخرت پرداخته اند و عارفان سعی کرده اند از "صورت" ظاهر به صورت باطن نقب بزنند. چرا که آدمیان اسیر صورت های مادی دنیا و به آنچه مشهود و محسوس می یابند دل می بندند، همه حرف قرآن و عرفان، گذر از ظاهر دنیا و توجه به باطن آنست که بیانگر معنای توحید می باشد:

مثنوی مولوی دفتر سوم، ابیات ۵۷۵ بعد:

گرت صورت بگذرید ای دوستان	جنت است و گلستان در گلستان
صورت خود چون شکستی سوختی	صورت کل را شکست آموختی
بعد از آن هر صورتی را بشکنی	همچو حیدر باب خیبر بر کنی

دفتر ششم ابیات ۳۶۶۶ بعد:

آنکه عاشق نیست، او در آب در	صورت خود بیند ای صاحب بصر
صورت عاشق چو فانی شد در او	پس در آب اکنون که را بیند؟ بگو
حسن حق بیند اندر روی حُور	همچو مه در آب از صُنع غُیور

دفتر چهارم ابیات ۳۷۳۰ بعد:

گفت کز صورت نبیند این هنر — که به خواب و مرگ گردد بی خبر

صورت آمد چون لباس و چون عصا جز به عقل و جان نجنبند نقش‌ها
بی خبر بود او که آن عقل و فؤاد بی ز تغلیب خدا باشد جمــــاد

۱- روزنامه "صوراسرافیل" در ۹ خرداد ۱۲۸۶ (۱۰۵ سال قبل) به همت "میرزاجهانگیر شیرازی" منتشر گردید و در صدر مشروطیت از نشریات مهم و مردمی بود.

۲- از جمله: "من فرشتگان خود را با صدای بلند شیپور خواهم فرستاد تا برگزیدگان مرا از گوشه و کنار زمین در آسمان گرد آورند". (انجیل متی، فصل ۲۴، آیه ۳۱ ص ۹۲۵) همچنین: "زمانی که شیپور آخر از آسمان به صدا درآید، در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن، همه آنهایی که مرده‌اند، با بدنی فنا ناپذیر زنده خواهند شد." (انجیل، رساله قرنتیان، فصل ۱۵، آیه ۵۲، ص ۱۱۱۹)

۳- ترتیب زمانی نزول این آیات، که نحوه آشنا شدن تدریجی مسلمانان صدر اسلام را پا به پای وحی نشان می‌دهد، با استفاده از کتاب "سیر تحول قرآن"، نوشته مرحوم مهندس مهدی بازرگان، به نظر می‌رساند:

بنا ۱۸ (نازل شده در سال دوم بعثت) - یَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

حاقه ۱۳ (سوم بعثت) - فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَهُ وَاحِدَةً وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً . فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

ق ۲۰ (سال پنجم بعثت) - وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ . وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ
یاسین ۵۱ (سال پنجم بعثت) - وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ . قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ۚ هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ . إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

مؤمنون ۱۰۱ (سال پنجم) - فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ . فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

طه ۱۰۲ (سال هفتم بعثت) - يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

کهف ۹۹ (هفتم بعثت) - وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ۚ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ...

نمل ۸۷ (هشتم بعثت) - وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ

آتوهُ دَاخِرِينَ

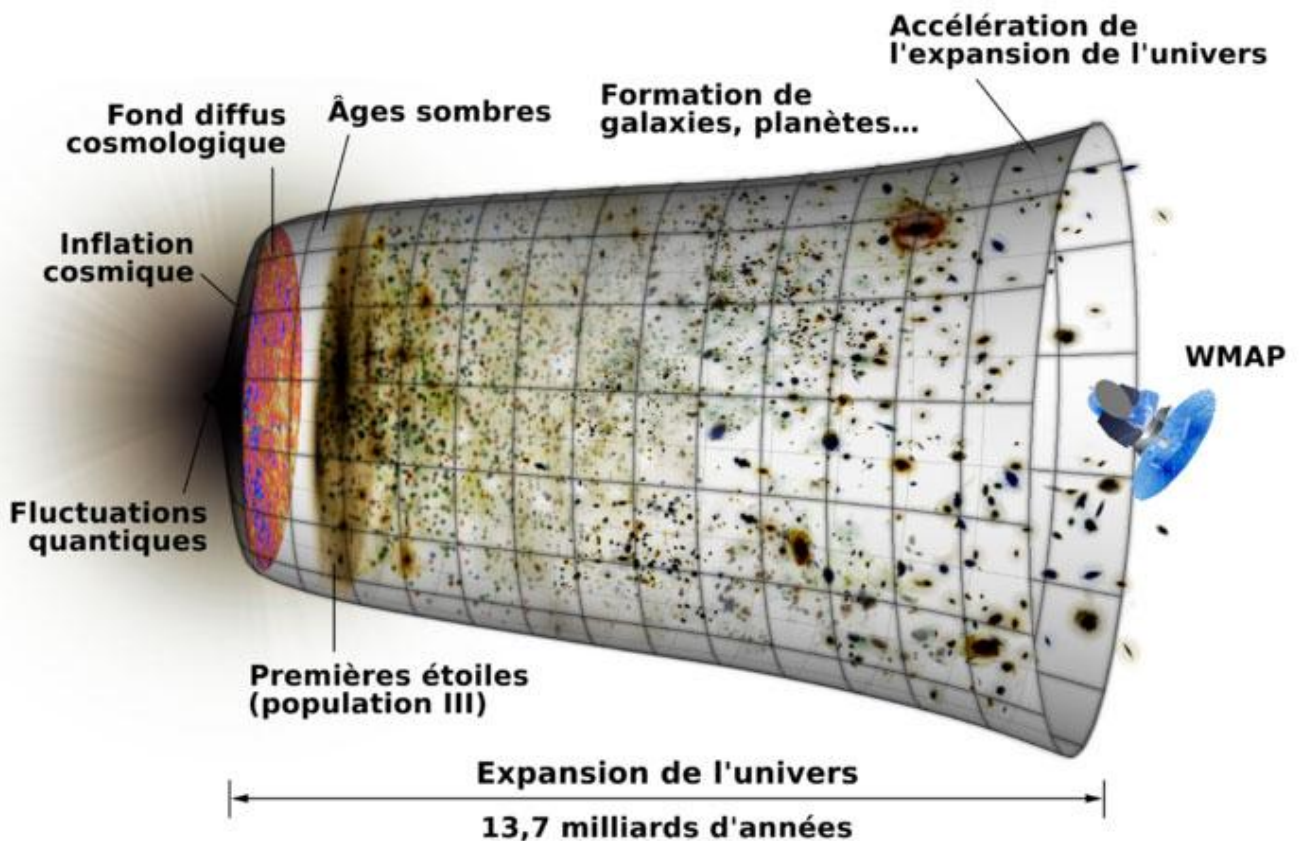
زمر ۶۸ (سال ۱۷ بعثت، چهارم هجرت) - وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ ۚ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

انعام ۷۳ (سال ۱۹ بعثت، ششم هجرت) - وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۗ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۗ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

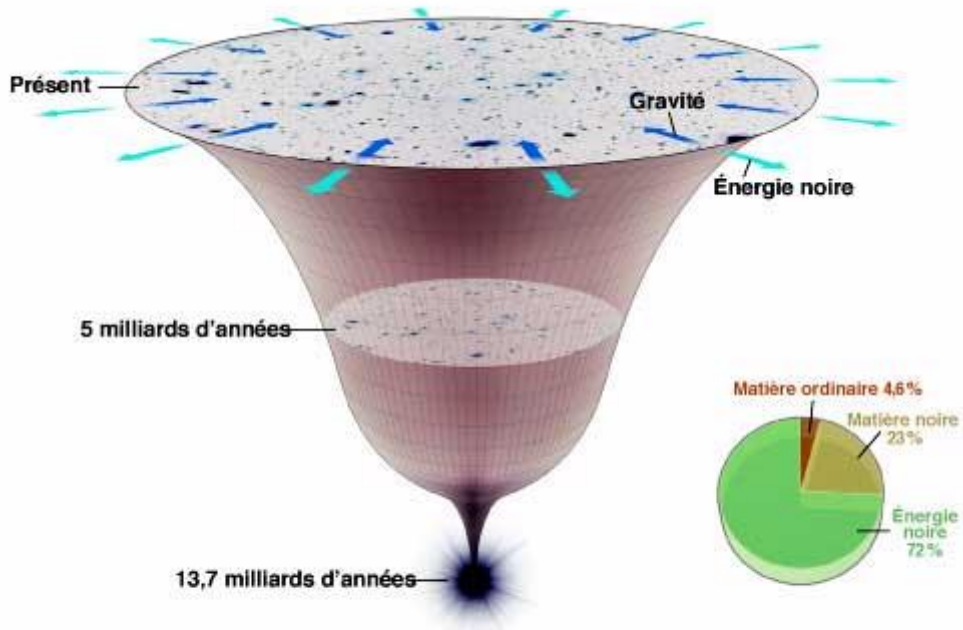
آیات قرآن عمدتاً عنوان "نفخه صور" را برای رستاخیز به کار برده است، اما در سوره های "زمر ۶۸، نمل ۸۷ و یاسین ۴۹ به نفخه پیش از آن که موجب مرگ همه موجودات می شود، نیز اشاره شده است.

۴- در تفسیر "پرتوی از قرآن"، شرح آیه ۱۸ از سوره نباء

۵- آشنایان با فیزیک نجومی بر این امر به خوبی واقف اند و تصاویر این حقیقت را می توانید در سایت های علمی مرتبط با آن، که بعضاً در زیر ارائه می شود، به راحتی مشاهده کنید. در این موضوع می توانید فیلم "آفرینش گیتی" با تحقیقات علمی آقای دکتر کریم رستگار را ببینید:



L'expansion de l'Univers



L'UNIVERS est en expansion depuis le Big Bang – il a 13,7 milliards d'années. L'observation d'étoiles très lointaines suggère que cette expansion a décéléré pendant les 9 milliards d'années qui ont suivi, où l'influence de la matière dominait. Puis la densité de matière n'a plus été assez importante pour contrebalancer la force répulsive exercée par l'énergie noire. Depuis, celle-ci dilate l'Univers à un rythme de plus en plus important.

L'ÉNERGIE NOIRE emplit 72% de l'Univers actuel; la matière « ordinaire », qui constitue les planètes et les étoiles, ne représenterait que 4,6%; enfin la « matière noire », qui ne peut être observée, mais dont l'existence se manifeste par ses effets gravitationnels, 23%.